

پیش گفتار

از ناملایمات زندگی آدمی، پدیده فقر و نیاز مالی است که روح بشر را آزار می‌دهد و گاه به خاطر عدم مهارت انسان‌ها در مقابله با این پدیده، فقر آنها را از مسیر فطریشان که رسیدن به سعادت و رستگاری است بازمی‌دارد و به سوی خطرات مهلکی سوق می‌دهد.

در روایتی به خطرات فقر تصریح شده است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (ری شهری، / 448)

«نزدیک است که فقر به کفر انجامد.»

از این جهت که پدیده فقر مالی، آزاردهنده روح آدمی و زمینه‌ساز سقوط او از مسیر فطری است، پیامبر اسلام از کفر و فقر مالی به خدا پناه می‌برد و می‌گوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ. فَقَالَ رَجُلٌ: أَيْعِدِلَان؟ قَالَ: نَعَمْ.» (همان)

«بارخدا، من از کفر و فقر به تو پناه می‌برم. مردی عرض کرد: آیا این دو با هم برابرند؟ فرمود: آری.»

در این نوشتار برآنیم مهارت‌های غلبه بر فقر مالی¹ را از نگاه قرآن جستجو نموده و به راهکار قرآنی در مقابله با این پدیده برسیم تا از خطرات ناشی از فقر و نیاز مالی در امان باشیم.

مهارت‌های سه‌گانه چیره شدن بر فقر مالی

با مطالعه آیات کریمه به سه نوع مهارت شناختی، رفتاری و معنوی چیره شدن بر فقر روبرو می‌شویم.

الف) مهارت شناختی

شناخت، منشأ رفتار، احساسات و عقاید انسان است. در هر قلمرو از امور زندگی از جمله چیره‌شدن بر فقر، بشر نیازمند به شناخت و آگاهی است. بدون آگاهی و شناخت دقیق از ماهیت فقر و فلسفه آن، بشر توان مقابله با آن را نخواهد داشت. از این جهت قرآن کریم در گام اول، بشر را به حقیقت اموال دنیوی و ویژگی‌های آن آگاه می‌کند.



1. احتیاج و فقر، ذاتی بشر

وجدان آدمی، این حقیقت را درک می‌کند؛ انسان موجودی است که هم در پیدایش و اصل وجودی خویش نیازمند بوده است و به او لباس هستی بخشیده شده است و هم در ادامه هستی، نیازمند به رزاق و افاضه فیض حیات می‌باشد. در آیات کریمه هم به این واقعیت تصریح شده است که انسان مخلوق و محتاج است و خداوند رازق اوست.

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ) (بقره/21)

«ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید.»

(كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ) (بقره/28)

«چگونه به خدا کافر می‌شوید؟ در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحي) بودید، و او شما را زنده کرد.»

(إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ) (ذاریات/58)

«خداوند روزی‌دهنده و صاحب قوت و قدرت است.»

از آنجایی که قرآن، کتاب زندگی سالم و دور از اضطراب و فشارهای روانی است، به فقر ذاتی بشر تصریح نموده تا آدمی زمانی که گرفتار فقر مالی است، فقر و نیاز او را غمگین ننموده و او را به خود مشغول نکرده و زمانی هم که در رفاه مالی به سر می‌برد، خود را مالک حقیقی اموال به حساب نیاورد، بلکه مالک حقیقی را خدا بداند.

به خاطر همین مهم، خداوند شناخت دهی نموده و بشر را به واقعیت نیازمندی او رهنمون و به فقر مطلق او تصریح نموده و فرموده است:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (فاطر/15)

«ای مردم! شما همگی نیازمند به خدایید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.»

آری، آدمی وقتی به حقیقت فقر ذاتی خویش پی ببرد و بدان باور داشته باشد، هم در هنگام احتیاج و گرفتاری مالی سر تسلیم در برابر آن فرو نمی‌آورد، بلکه بر

فقر غلبه پیدا می‌کند، و هم در صورت دارایی اموال باز خود را در برابر خدا فقیر دانسته و اموال را از آن مالک حقیقی آن می‌داند.

2. اموال؛ وسیله آزمایش

عامل مهمی که در سلامت و عدم سلامت زندگی افراد نقش قابل توجهی دارد، نوع نگاه به پدیده‌های زندگی است. اگر انسان نگاهش به دارایی و اموال، سبب برتری بر دیگران باشد و آنها را موجب دوستی خدا بر دارنده آن بداند، قطعاً فقر و احتیاج، او را آزار داده و همیشه نیاز و احتیاج را موجب خواری و ذلیل بودن خویش می‌پندارد، ولی اگر نوع نگاهش به اموال و متاع دنیوی، وسیله آزمایش و عذاب برخی از انسان‌ها باشد، نه تنها احتیاج و نیاز او را آزار نداده، بلکه سعی و تلاش نموده در میدان آزمایش که سنت الهی است - و نمونه‌ای از آزمایش الهی فقر و احتیاج مالی است - سربلند و سرفراز بیرون آید.

خداوند سبحان در کتاب زندگی آیاتی را بر رویکرد دوم متمرکز ساخته است تا بشر با این نوع رویکرد بتواند بر احتیاج و نیاز فائق آید و در پرتو عقیده به آزمایشی بودن اموال، فقر را تحمل نماید تا از خطرات آن مصون بماند؛

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ) (انفال/28)

«و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است.»

(إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ) (تغابن/15)

«اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش هستند.»

در دو آیه فوق، اموال از ابزار آزمایش الهی معرفی شده است. فتنه در اصل به معنای آزمایش است. کلمه فتنه، همان مفهوم امتحان و آزمایش را دارد، البته فتنه را از این جهت فتنه گویند که چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌کند و امتحان بودنش به همین است. (مطهری، آشنایی با قرآن، 182/4)

راغب اصفهانی برای واژه فتنه معانی متعددی ذکر نموده که از جمله آنها، آزمون است. واژه فتنه مثل واژه بلاء است و هر دو واژه هم در سختی و هم در آسایش که انسان از آن ناگزیر است به کار می‌رود، ولی معنی فتنه و بلاء در شدت و سختی آشکارتر و به کاربردنش بیشتر است. (راغب اصفهانی)



روشن است که وقتی آدمی به سنت الهی آزمایش اعتقاد داشته باشد و اموال و فقر را از ابزار این سنت الهی بداند، این عقیده توان تحمل فقر را در آدمی به وجود می‌آورد و انسان را از ناملايمات و اثرات بد فقر نجات می‌دهد. به همین خاطر، خالق هستی، بشر را به این نوع نگاه رهنمون ساخته تا در پرتو این نوع بینش و شناخت، خویش را از خطرات و رنج فقر مالی برهاند.

3. بهره‌های دنیا اندک و رزق نیکو نزد خدا

دنیا با آخرت تفاوت‌های متعددی دارد که نمونه آن اندک و فانی بودن بهره‌های دنیا و ابدی بودن بهره‌های اخروی است. هر انسان عاقلی که قرآن را پذیرفته و دستورات آن را سعادت بخش دو سرای خویش می‌داند و جهان پس از مرگ را باور دارد، هیچ وقت راضی نمی‌شود بهره اندک دنیوی را بر بهره‌های ابدی اخروی ترجیح دهد. در مقابل، انسان‌های کافر بهره‌های دنیوی را بر بهره‌های اخروی ترجیح می‌دهند؛

(وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ)
(ابراهیم/3-2)

«وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! همان‌ها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند.»

خداوند در آیات متعددی به ناچیز بودن زندگی دنیا و ماندگاری زندگی اخروی تصریح نموده تا بشر با این نوع مهارت شناختی، بر فقر مالی فائق آید. در دو آیه ذیل به تفاوت فوق تصریح شده است:

(قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى) (نساء/77)

«بگو سرمایه زندگی دنیا ناچیز است، و سرای آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است.» (و آیه 38 توبه)

(وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى) (طه/131)

«روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»

در این دو آیه، اندک بودن دنیا و بهتر و پایدارتر بودن رزق آخرت بیان شده است.

آری، امیدواری به رزق پایدار و بهتر، در قبال بهره اندک و فانی دنیوی توان غلبه بر پدیده فقر مالی را در آدمی تقویت می‌نماید و او را از هرگونه غم و اندوه و خیره شدن به اموالی که در دست دیگران است رها می‌سازد.

همچنین خداوند در آیاتی پیامبر اسلام را مورد خطاب قرار داده که اموال دیگران تو را به اعجاب و اندازد.

(فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ) (توبه/55)

«و (فزون) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد، خدا می‌خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند و جانشان برآید در حالی که کافرند.»

«اعجاب مفهومی عمیق‌تر از این دارد که انسان فقط از چیزی خوشش بیاید. هرگاه چیزی انسان را تحت تأثیر قرار دهد و او را منفعل کند، می‌گوییم او را به اعجاب واداشته است.» (مصباح یزدی، /43)

و در تعبیری صریح‌تر فرمود:

(وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ) (طه/131)

«و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که بر گروه‌هایی از آنان داده‌ایم می‌فکن، اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»

«البته باید توجه داشت که این گونه خطاب‌های قرآنی در ظاهر به شخص پیامبر ۹ است، اما همان‌گونه که از ائمه اطهار :روایت شده، اینها از باب (یاب اعنی و اسمعی یا جاره) و به قول خودمان (به در می‌گوید که دیوار بشنود) است.» (همان، /40)

4. رزاقیت خدا

یکی دیگر از مهارت‌های شناختی ارائه شده بر قرآن کریم بر غلبه نمودن فقر مالی، باور داشتن به رزاقیت خداوند متعال است. به این معنا که روزی‌دهنده همه موجودات خداوند است. در آیاتی به این واقعیت (رزاقیت خداوند) تصریح شده است.

(وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا) (هود/6)



«هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست.»
(وَكَايِنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (عنکبوت/60)
 «چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد، و او شنوا و داناست.»

(وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ) (حجر/20)
 «و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید.»

5. امید به گشایش

مطابق آموزه‌های دینی، پایان‌پذیری سختی‌ها و مشکلات از اصول مسلم و قطعی زندگی آدمی است.

اینکه انسان بپندارد که سختی‌ها و به خصوص مشکلات مالی پایدار هستند، خود این پندار مضاعف‌کننده سختی‌هاست، به علاوه آنکه توان تحمل را از انسان می‌رباید.

کتاب زندگی در آیاتی آدمی را به پایان‌پذیری سختی‌ها رهنمون ساخته تا آدمی در پرتو امید به گشایش، تحمل ناخوشایندهای زندگی را در خود فراهم آورد؛

(فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (انشراح/5-6)

«به یقین با (هر) سختی آسانی است. (اری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است.»

«قرآن نمی‌فرماید که بعد از سختی، آسانی است. تعبیر قرآن این است که با سختی، آسانی است. یعنی آسانی در شکم سختی و همراه آن است.» (مطهری،

مجموعه آثار، 1/175)

و همچنین فرمود: **(سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (طلاق/7)**

«خداوند بعد از سختی، آسانی قرار می‌دهد.»

توجه به موقتی بودن سختی‌ها و گشایش آینده، توان انسان را افزایش می‌دهد و از شدت فشار روانی می‌کاهد و آن را تحمل‌پذیر می‌سازد. به همین جهت معصومین علیهم السلام با توجه‌دهی به همین اصل، افراد گرفتار را آرام می‌ساختند.

عن محمد بن عجلان قال: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْحَاجَةَ. فَقَالَ:

أَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرَجًا». (مجلسی، 219/68)

محمد بن عجلان گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که کسی از نیازمندی خود به حضرت شکایت کرد. حضرت در پاسخ فرمود: بردبار باش که به زودی، خداوند فرج تو را خواهد رساند.

علی 7 فرمود: «عند تناهي الشدة تكون الفرجة و عند تضايق حلق البلاء يكون الرخاء». (نهج البلاغه، /حکمت 351)

«چون سختی‌ها به نهایت رسید، گشایش پدید آید. و آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ گردد، آسایش فرا رسد.»

6. ترک مقایسه صعودی اموال

انسان‌هایی که طالب دنیا هستند، وقتی زیبایی و اموال دیگران را مشاهده می‌کنند، به مقایسه صعودی و چشم دوختن روی می‌آورند. منظور از مقایسه صعودی آن است که انسان وضع مالی و مادی اندک خویش را با کسانی که وضع مالی بهتری دارند، مقایسه کند.

قرآن گزارش می‌دهد قارون اموال فراوان و زندگی اشرافی و خیره‌کننده‌ای داشت و انسان‌های طالب دنیا به مقایسه صعودی و چشم دوختن به آن روی آوردند؛

(وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ) (قصص/76)

«ما آن قدر از گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود!»

(قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ)

(قصص/79)

«آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

عامل مهمی که می‌تواند فقر مالی فردی را بر آدمی قابل تحمل سازد، ترک مقایسه صعودی و چشم نیندوختن به اموال دیگران است. به خاطر همین مهم خداوند پیامبر اسلام را مورد خطاب قرار داده و از چشم دوختن به مال دیگران نهی کرده است؛

(فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ) (توبه / 55)

«مبادا اموال و فرزندانشان مایه شگفتی تو گردد.»

(وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (طه / 131)

«و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن، اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست.»

رابطه ترک مقایسه صعودی و تحمل فقر مالی فردی

بر اساس بعضی از آیات کریمه، شخص خردمند (اولوا الالباب) با مشاهده دارایی و اموال دیگران، به مقایسه صعودی روی نمی‌آورد، بلکه بر اساس آموزه‌های قرآنی، اموال و متاع دنیا را در برابر نعمت‌های اخروی اندک می‌شمارد و ایمان و عمل صالح را بهتر از دارایی و اموال دنیایی می‌داند.

(قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ) (نساء / 77)

«به آنها بگو: سرمایه زندگی دنیا ناچیز است؛ و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است.»

(وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنِ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا

الصَّابِرُونَ) (قصص / 80)

«اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است. اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.»
بر اساس همین نوع بینش توحیدی فقر مالی آنها را آزار نداده، بلکه با چنین بینشی توان تحمل فقر در آنها افزایش می‌یابد، در حالی که در مقایسه صعودی اولاً مقایسه‌کننده گرفتار ندامت می‌شود که خود عاملی بر افزایش نگرانی است؛

(وَأَصْحَابِ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أُنْ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا) (قصص / 82)

«و آنها که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند گفتند: وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هرکسی از بندگانش بخواهد گسترش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد. اگر خدا به ما منت نهد بود ما را نیز به قعر زمین فرو می‌برد.»



ثانیاً به دنبال مقایسه صعودی و چشم دوختن به اموال دیگران، حزن و اندوه است که مثل ندامت خود عامل افزایش نگرانی است؛

(لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ) (حجر/88)

«هرگز چشم خود را به نعمت‌های (مادی) که به گروه‌هایی از آنها دادیم، میفکن، و به خاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش.»

آیه بیانگر این مطلب است که اگر چشم به اموال دیگران بدوزی، دچار حزن و اندوه می‌شوی.

ثالثاً یکی دیگر از پیامدهای مقایسه صعودی، حسرت است. کسی که مقایسه صعودی می‌کند، فهرست زیادی از نداشته‌ها را برای خود تهیه می‌کند و همیشه افسوس نداشتن آنها را می‌خورد و روشن است که افسوس، عاملی بر افزایش نگرانی از فقر مالی است.

در روایت آمده است کسی که چنین باشد، مثل کسی است که می‌خواهد جان بدهد؛

«انَّ جَبْرِيْلَ هَبَطَ اِلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ فَقَالَ: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُوْلُ

لَكَ: اِقْرَأْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ»

فَأَمَرَ النَّبِيَّ ﷺ مُنَادِيًا يَنَادِي: مَنْ لَمْ يَتَأَدَّبْ بِأَدَبِ اللّٰهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلٰى الدُّنْيَا

حسرات.» (مجلسی، 348/71)

«روزی جبرئیل بر پیامبر اسلام نازل شد و گفت: ای پیامبر خدا، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید بخوان به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از کافران داده‌ایم، میفکن.

پس از نزول این آیه شریفه پیامبر خدا به کسی امر کردند این پیام را به گوش مردم برساند که هرکس با ادب الهی تربیت نشود، از حسرت به دنیا جاننش به شماره می‌افتد.»

رابعاً مقایسه صعودی منجر به حسادت می‌گردد و روشن است که حسادت هم عامل افزایش نگرانی است.

(أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ) (نساء/54)



«یا اینکه نسبت به مردم، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده حسد می‌ورزند؟»
قال رسول الله (ص): «قال الله عزوجل لموسى بن عمران: يا بن عمران لا تحسدون
الناس على ما آتيتهم من فضلى، ولا تمدن عينيكَ الى ذلك ولا تتبعه نفسكَ فيان
الحاسدٍ ساخطٌ لِنعمى صادٍ لِقسمي الذى قسمتُ بين عبادي». (حر عاملی، 293/11)
«ای پسر عمران! نسبت به آنچه از فضلم به مردم داده‌ام، حسادت نوز و
چشم‌هایت را به آن مدوز و نفست را در پی آن روان مساز که شخص حسود،
دشمن نعمت من و سدکننده روزی‌ای است که من میان بندگانم تقسیم می‌کنم.»
با توجه به پیامدهای مقایسه صعودی، راز ترک مقایسه آشکار می‌شود که
عبارت است از اینکه شخص مقایسه‌کننده گرفتار ندامت، حزن و اندوه، حسرت و
حسادت می‌گردد.

شخص مؤمن بر اساس آموزه‌های دینی از مقایسه صعودی اجتناب نموده و به
خاطر اجتناب از آن گرفتار فشارهای روانی پیامدهای مقایسه صعودی نخواهد شد
بلکه بر اساس آموزه‌های دینی رو به مقایسه نزولی آورده و از همین شگرد تحمل
فقر مالی را در خویش افزایش می‌دهد.

در روایات معصومین: به مقایسه نزولی دعوت شده است
ابوذر گوید پیامبر اسلام مرا به هفت چیز سفارش فرموده است:
«اوصانى رسول الله ﷺ: أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي، وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ
فَوْقِي.» (شیخ صدوق، 345/2)

«پیامبر خدا ﷺ مرا به هفت چیز سفارش فرمود: اینکه به کسی که پایین‌تر از من
است نگاه کنم و به کسی که بالاتر از من است ننگرم.»

امام صادق 7 به حمران بن اعین می‌فرماید:
«يا حمران! أَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي
الْمَقْدَرَةِ.» (حرانی، 652/)

«ای حمران! به کسی که در زندگی از تو پایین‌تر است نگاه کن. به کسی که در
زندگی از تو بالاتر است ننگر.»

از همین روی گفته می‌شود که ترک مقایسه صعودی و انجام مقایسه نزولی یکی دیگر از مهارت‌های شناختی است که توان تحمل فقر مالی را در آدمی افزایش می‌دهد.

مفهوم رزق

رزق: بخشش مدام و پیوسته است که گاهی دنیوی و زمانی اخروی است و گاهی نصیب و بهره را هم رزق گویند. و همچنین به چیزی که به معده می‌رسد و با آن تغذیه می‌شود رزق گویند. (راغب اصفهانی)

«عن علی 7: عيَالُهُ الْخَلَائِقُ، ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ، وَ قَدَّرَ أَقْوَاتَهُمْ» (محمدی ری شهری/234)

«علی 7 فرمود: مردم نان خورهای خدایند، خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر فرموده است.»

عده‌ای خیال می‌کنند که رزق فقط در پرتو تلاش و کوشش به دست می‌آید، غافل از آنکه عامل دیگری که عبارت از اراده خدا باشد، در روزی دهی انسان دخالت دارد. دلیل بر ادعای مذکور آیاتی است که قبض و بسط روزی را به دست خدا می‌داند.

(وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ) (نحل/71)

«خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد.»

(اللَّهُ يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ) (رعد/26)

«خدا روزی را بر هر کسی بخواهد (و شایسته بداند) وسیع و برای هر کسی بخواهد (و مصلحت بداند) تنگ قرار دهد.»

(إِنَّ رَبَّكَ يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بَعِيداً بَصِيراً) (اسراء/30)

«به یقین پروردگارت روزی را برای هرکسی بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد، او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.»

آیات قصص/82، عنکبوت/62، سبأ/39-36، روم/37، زمر/52 و شوری/12 نیز بر این مطلب دلالت دارد.



از عوامل دخیل در روزی انسان‌ها، اراده و مشیت خداست. آری، اگر انسان باور داشته باشد که علاوه بر کار و تلاش، اراده خداوند در روزی انسانی‌ها سهم غیرقابل انکار دارد و خصوصاً آنکه بداند خداوند به احوال بندگان آگاه است و اوست که مصلحت فقر و غنای انسان‌ها را می‌داند، با این عامل شناختی می‌تواند فقر را تحمل نموده تا فقر و نیاز، خللی در ایمان و نوع نگرش او بر زندگی سالم و آرام وارد نکند.

ب) مهارت‌های رفتاری

1. کار و تلاش

از مهارت‌های رفتاری ارائه شده در قرآن برای غلبه بر فقر و نیاز، کار و تلاش است. چه آنکه به قدر تلاش و کوشش به انسان‌ها بهره داده می‌شود؛

(وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (نجم/39)

به همین خاطر خداوند در سوره جمعه به طور صریح و آشکار، دعوت به تلاش و کوشش برای طلب روزی نموده و فرموده است:

(فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ) (جمعه/10)

«و هنگامی که نماز (جمعه) پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید.»

با نگاه به آیات کریمه درمی‌یابیم که قرآن هرگز ما را به چشم‌پوشی از مواهب الهی دعوت نکرده و فقر را یک ارزش و نعمت به حساب نیاورده است، بلکه دعوت به بهره‌برداری از مواهب الهی و زینت‌ها نموده است.

در خطابی به پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (اعراف/32)

«بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است! بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند.»

به خاطر همین مهم که اموال و امکانات مادی، نقش غیرقابل انکاری برای یک زندگی سالم و آرام دارد، حضرت سلیمان از خداوند تقاضای ملک و سلطنت بزرگ می‌کند.

(قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي) (ص/35)

«گفت پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای.»

راز دعوت قرآن به تلاش و کوشش برای این است که انسان با تلاش و کوشش بر فقر و نیاز مالی چیره گردد و با تلاش و کوشش، هم به امکانات وسیع مادی برسد و هم هویت انسانی خویش را در برابر بیگانه و اجنبی حفظ کند، چه آنکه آدمی وقتی فقیر و محتاج باشد، ناگزیر است دست نیاز خویش را پیش بیگانه دراز کند و روشن است که این نوع رفتار در واقع وارد شدن لطمه به هویت انسانی شخص مؤمن است.

در روایات هم بر غلبه نمودن بر فقر مالی به وسیله تلاش و کوشش دعوت و تشویق شده است که دو نمونه از آن روایات عبارت است از:

امام صادق 7 فرمود:

«لاتكسلوا في طلب معاشكم فان آبائنا كانوا يركضون فيها و يطلبونها.» (حر

عاملی، 38/12)

«در تحصیل روزی تنبلی نکنید؛ زیرا پدران ما در این راه می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند.»

«عن ابی عبدالله 7 قال: اشْتَدَّتْ حَالُ رَجُلٍ مِنْ اصْحَابِ النَّبِيِّ 9 فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ: لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ 9 فَسَأَلْتَهُ فَجَاءَ إِلَى النَّبِيِّ 9 فَلَمَّا رَأَى النَّبِيَّ 9 قَالَ: مَنْ سَأَلْنَا أُعْطِينَاهُ وَ مِنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ، فَقَالَ الرَّجُلُ: مَا يَعْنِي غَيْرِي فَرَجَعَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَعْلَمَهَا، فَقَالَتْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ 9 بَشَرًا فَأَعْلَمَهُ فَأَتَاهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ 9 قَالَ: مَنْ سَأَلْنَا أُعْطِينَاهُ وَ مِنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ، حَتَّى فَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ ثَلَاثًا ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ فَاسْتَعَارَ مَعُولًا ثُمَّ أَتَى الْجَبَلَ، فَصَعَدَهُ فَقَطَعَ حَطْبًا ثُمَّ جَاءَ بِهِ خِبَاعَهُ بِنِصْفِ مَدٍّ مِنْ دَقِيقٍ فَرَجَعَ بِهِ فَأَكَلَهُ بِهِ ثُمَّ ذَهَبَ مِنَ الْعَدِ، فَجَاءَ بِأَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ خِبَاعَهُ، فَلَمْ يَزَلْ يَمْعَلُ وَيَجْمَعُ حَتَّى



اشْتَرَى مَعُولاً ثُمَّ جَمَعَ حَتَّى اشْتَرَى بَكْرَيْنِ وَ غَلَاماً ثُمَّ أَتَرَى حَتَّى أَيْسَرَ فِجَاءَ الَى النَّبِيِّ ۹ فَأَعْلَمَهُ كَيْفَ جَاءَ يَسْأَلُهُ وَ كَيْفَ سَمِعَ النَّبِيُّ ۹ فَقَالَ النَّبِيُّ ۹ قُلْتُ لَكَ: مَنْ سَأَلْنَا اعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللهُ.» (کلینی، 208/3)

امام صادق 7 فرمود: «مردی از اصحاب پیامبر ۹ حال زندگیش سخت شد، همسرش گفت: کاش خدمت پیامبر ۹ می رفتی و از او چیزی می خواستی، مرد خدمت پیامبر ۹ آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هر که بی نیازی جوید خدایش بی نیاز کند. مرد با خود گفت: مقصودش جز من نیست. پس به سوی همسرش آمد و به او خبر داد. زن گفت رسول خدا ۹ هم بشر است (و از حال تو خبر ندارد) او را آگاه ساز، مرد خدمت پیامبر آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هر که بی نیازی جوید خدایش بی نیاز کند، و تا سه بار آن مرد چنین کرد.

سپس رفت و کلنگی عاریه کرد و به جانب کوهستان روانه شد. بالای کوه رفت و قدری هیزم برید و بیاورد و به نیم چارک آرد فروخت و آن را به خانه برد و بخورد، فردا هم رفت و هیزم بیشتری آورد و فروخت و همواره کار می کرد و اندوخته می نمود تا خودش کلنگی خرید، باز هم اندوخته کرد تا دو شتر و غلامی خرید و ثروتمند و بی نیاز گشت. آن گاه خدمت پیامبر ۹ آمد و گزارش داد که چگونه برای سؤال آمد و چه از پیامبر ۹ شنید.

پیامبر ۹ فرمود: «من که به تو گفتم هر که از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هر که بی نیازی جوید خدایش بی نیاز کند.»

در این روایت به وضوح کار و تلاش به عنوان غلبه بر فقر و نیاز مالی ذکر شده است. مهارت رفتاری که مرد فقیر را بر نیاز و احتیاج چیره کرد، کار و تلاش بوده است.

پاسخ به یک سؤال

چرا در آیات و روایات بسیاری، روزی به دست خدا معرفی شده است که معنای آن بی ثمر بودن تلاش در راه کسب معاش است؟!
«در پاسخ این سؤال باید به دو نکته توجه داشت:

1- دقت در منابع اسلامی نشان می‌دهد که آیات و یا روایاتی که در نظر سطحی و ابتدایی - چه در این بحث، چه در بحث‌های دیگر - متضاد به نظر می‌رسد، هرکدام به یکی از ابعاد مسئله‌ای که دارای بعدهای مختلفی است نظر دارند که غفلت از این ابعاد موجب توهم تناقضی شده است.

آنجا که مردم با ولع و حرص هرچه شدیدتر به دنبال دنیا و زرق و برق جهان ماده می‌روند و برای نیل به آن از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند، دستورات مؤکد و پشت سرهم وارد می‌شود و آنها را به ناپایداری دنیا و بی‌ارزش بودن مال و جاه توجه می‌دهد. و آنجا که گروهی به بهانه زهد، دست از کار و تلاش و کوشش می‌کشند، اهمیت کار و کوشش به آنها گوشزد می‌شود. در حقیقت برنامه رهبران راستین نیز باید چنین باشد که جلو افراط و تفریط‌ها را به طرز شایسته‌ای بگیرند.

آیات و روایاتی که تأکید می‌کند روزی دست خداست و سهم و بهره هر کسی را خدا تعیین کرده، در حقیقت برای پایان دادن به حرص و ولع و دنیاپرستی و فعالیت بی‌قید و شرط و بی‌حد و مرز برای کسب درآمد بیشتر است، نه اینکه هدف آن خاموش کردن شعله‌های گرم و داغ نشاط کار و کوشش برای زندگی آبرومندانه و مستقل و خودکفاست.

2- از نظر جهان‌بینی توحیدی همه چیز به خدا منتهی می‌شود و یک خداپرست موحد راستین چیزی را از ناحیه خود نمی‌بیند و می‌گوید:

(يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَلْبَسُوْا لِبَاسًا رَّحِيْمًا ۙ وَكُلُوْا وَشَرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا ۗ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُفْسِدُوْا اَمْوَالَكُمْ الَّتِيْ رَزَقْتُمْ بِهَا ۗ كُنْتُمْ اٰمَنُوْا بِهَا ۗ وَلَا تَكُوْنُوْا مِمَّنْ ضَلَّ ۙ اَسْوَاُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (آل عمران/26)

«کلید همه خوبی‌ها و نیکی‌ها به دست توست و تو بر هر چیزی قادر و توانایی.» و به این ترتیب او باید در هر مورد توجه به این حقیقت داشته باشد که حتی فراورده‌های سعی و کوشش و فکر و خلاقیت او نیز اگر درست بنگرد از طرف خداست، و اگر یک لحظه نظر لطفش برگرفته شود، همه اینها خاموش می‌گردد.

ولی آنچه مسلم است، اساس و پایه کسب روزی، تلاش و فعالیت صحیح و مثبت و سازنده و دور از هرگونه افراط و تفریط است. و اما روزی‌هایی که بدون تلاش به انسان می‌رسد، جنبه فرعی دارد نه اساسی، و شاید به همین دلیل



حضرت علی 7 در کلمات قصارش، در درجه اول روزی‌هایی را ذکر می‌کند که انسان به دنبال آن می‌رود، سپس آنها که به دنبال انسان می‌آید؛ «یا بنی آدم: الرزقُ رزقان رزقٌ تَطْلِبُهُ و رزقٌ یَطْلِبُکَ. (نهج البلاغه، حکمت 379) ای فرزند آدم! روزی دو گونه است: یکی آن روزی که تو به دنبال آن می‌روی، و دیگری آن روزی که او به دنبال تو می‌آید.» (مکارم شیرازی، 320/11 - 319)

2. انفاق

انفاق به مفهوم وسیع خود شامل انفاق‌های مالی و غیرمالی می‌شود. در اهمیت انفاق همین بس که در قرآن مجید بیش از 190 آیه به این موضوع اختصاص یافته است.

مطابق آیات کریمه کسی که انفاق می‌کند عوضش را از خدا دریافت می‌کند و بلکه فزونتر از آنچه که در راه خدا داده است پس می‌گیرد؛

(وَمَا أَنْتَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ) (سبا / 39)

«و هر چیزی را (در راه خدا) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی‌دهندگان است.»

و همچنین فرمود: (وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (بقره / 268)

«خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد و خداوند با قدرت و وسیعش، به هر چیز داناست.»

در تفسیر مجمع البیان از امام صادق 7 نقل شده است که هنگام انفاق دو چیز از طرف خداست و دو چیز از ناحیه شیطان است. آنچه از جانب خداست، یکی آمرزش گناهان و دیگری وسعت و فزونی اموال است. و آنچه از طرف شیطان است یکی وعده فقر و تهیدستی و دیگر امر به فحشاء است. بنابراین منظور از مغفرت، آمرزش گناهان است و منظور از فضل همان طور که از ابن عباس نقل شده است، زیاد شدن سرمایه‌ها در پرتو انفاق است. (مکارم شیرازی، 252/2)

به خاطر کارکرد انفاق حضرت علی 7 فرمود: «إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.»

(نهج البلاغه، حکمت 258)

«هرگاه تهیدست شدید، با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.»

و همچنین فرمود: «استزولوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ». (همان، احکمت 137)

«روزی را با صدقه دادن فرود آورید.»

آری، انفاق یکی از مهارت‌های رفتاری است که توان تحمل آدمی را در فقر مالی افزایش می‌دهد تا در برابر آثار طبیعی و عادی فقر سر تسلیم فرود نیاورد، چه آنکه در انفاق فی سبیل الله، امید بخشی به افزایش نعمت نسبت به آنچه که داده است می‌باشد و همین امیدواری توان تحمل آدمی را در برابر فقر مالی تقویت می‌کند، علاوه آنکه انفاق به مستحق، خود توجه به وضع افرادی است که ضعف مالی دارند و روشن است چنین توجهی در توان تحمل فقر مالی تأثیر غیرقابل انکار دارد، چه آنکه انفاق‌کننده به وضوح درمی‌یابد فقط او نیست که با فقر مالی روبروست، بلکه دیگران هم با این مشکل (پدیده فقر مالی) دست و پنجه نرم می‌کنند.

رابطه انفاق و تحمل فقر

بر اساس آموزه‌های دینی، هدف نهایی تکامل انسان، قرب الی الله است و روشن است که رسیدن به آن هدف همراه با سختی و مشکلات است. همچنان که در آیه 6 سوره انشقاق بدان اشاره شده است:

(يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيه) (انشقاق/6)

«ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.»

«کدح» به معنای کوشش و رنج است. (راغب اصفهانی)

از موانع و مشکلاتی که سر راه تکامل است، حالت شح نفس است.

«شح، حالتی است که انسان فقط تمایل دارد به اینکه ثروت را گرد بیاورد و در

او کوچک‌ترین تمایلی به اعطا وجود ندارد.» (مظهری، 166/6)

به همین جهت خداوند در دو آیه کریمه یکی از شرایط نیل به فلاح و

رستگاری را خلاصی از این صفت مذموم برشمرده است. فرمود:

(وَأَنْفَقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (تغابن/16)

حشر/9



«و انفاق کنید که برای شما بهتر است، و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند.»

عامل مهمی که می‌تواند انسان را از حالت شُحّ نفس رهایی بخشد، انفاق فی سبیل الله است. انسانی که انفاق در راه خدا می‌کند، دلبستگی به مال را در خود می‌میراند و روح و جان خود را تطهیر و پاک می‌کند؛

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ) (توبه / 103)

«از اموال آنها صدقه‌ای بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.»
لذا گفته شده سرّ اینکه انفاق باعث فلاح و رستگاری انسان می‌شود، این است که بندهای تعلق را از دل افراد و روح آدمی باز می‌کند. آنگاه که جان آدمی پاکیزه گشت، انسان انفاق‌گر به وسیله بخشش احساس آرامش روحی می‌کند؛

(الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (بقره / 274)

«آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.»

در پرتو آرامش روحی در آدمی توان تحمل فقر تقویت شده و از آثار شوم آن در امان خواهد بود. چه آن انفاق‌گر فی سبیل الله، نیاز اصلی و دائمی بشر را در سرای دیگر می‌داند و نیاز و فقر مالی را در دنیا محدود می‌داند.

از همین روی است که گفته می‌شود انفاق توان آدمی را در تحمل فقر مالی تقویت می‌کند.

3. مصرف بهینه (عدم اسراف)

اسراف مفهوم گسترده دارد. از موارد اسراف، ریخت و پاش و مصرف نادرست است که قرآن کریم از آن نهی فرموده است؛

(كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (اعراف / 31)

«(از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.»

منع از اسراف در امور مادی حکمت‌های متعددی دارد که در این نوشتار مجال پرداختن به آن نیست، اما روشن است از حکمت‌های منع اسراف، ایجاد توانایی بر

تحمل فقر و نیازهایی است که آدمی با آن روبروست. چه آنکه اگر شخصی با وجود فقر مالی، مصرف درست نداشته باشد، احتیاج او بیشتر شده و راه فرار از فشار روانی آن تنگ‌تر می‌شود، در حالی که مصرف درست باعث ثروت و بی‌نیازی می‌شود.

در روایات به این مهم اشاره شده است:

قال الصادق 7: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى». (احسان بخش، 441/8)

«به درستی که اسراف و زیاده‌روی موجب تنگدستی و اقتصاد و میانه‌روی باعث ثروت و بی‌نیازی است.»
 وقتی در آدمی با مصرف صحیح احساس بی‌نیازی به وجود آید، توان او بر تحمل فقر افزایش می‌یابد.
 علی 7: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْاسْرَافُ». (همان، 442/4) «زیاده‌روی سبب تهیدستی است.»

امام صادق 7 فرمود: «إِنَّ مَعَ الْاسْرَافِ قَلَّةَ الْبُرْكَاتِ». (همان) «همانا بی‌برکتی همراه زیاده‌روی است.»

از همین روی گفته می‌شود از مهارت‌های رفتاری تحمل فقر مالی، مصرف درست است، چه آنکه مصرف درست، باعث افزایش و برکت نعمت موجود می‌شود.

ج) مهارت‌های معنوی

مراد از مهارت‌های معنوی، توانمندسازی روح، بر چیره گشتن و فائق آمدن بر فقر و مشکلات مالی است.

1. تقوا

«در اصطلاح قرآنی، تقوا یک حالت روحی و ملکه اخلاقی است که هرگاه این ملکه در انسان پیدا شد، قدرتی پیدا می‌کند که می‌تواند از گناه بپرهیزد، اگرچه گناه بر او عرضه شود. تقوا اولیاء حق را نگهداری می‌کند و معنویت می‌دهد.»



ملکه و حقیقت تقوا در روح انسان اثر می‌گذارد و او را از ارتکاب لغزش‌ها و

گناه‌ها باز می‌دارد.» (مطهری، آشنایی با قرآن، 20/4)

بعد از ذکر مفهوم اصطلاحی تقوا گفته می‌شود که یکی دیگر از مهارت‌های قرآنی غلبه نمودن بر فقر مالی، تقوا مداری است، چه آنکه قرآن به این خاصیت تقوا تصریح نموده است: (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) (طلاق/2)

«هرکس که تقوای الهی پیشه کند، خدا برای او راه بیرون رفتن از مضایق و مشکلات را قرار می‌دهد، یعنی برای او راه باز می‌کند برای خروج از بن بست‌ها و بیرون آمدن از مشکلات.» (مطهری، آشنایی با قرآن، 23/8)

در حدیثی از ابوذر غفاری نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود:

«من آیه‌ای را می‌شناسم که اگر تمام انسان‌ها دست به دامن آن زنند برای حل مشکلات آنها کافی است. پس آیه (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) را تلاوت فرمود و بارها تکرار کرد.» (مکارم شیرازی، 436/24)

2. صبر

رویدادها و حوادثی که در عالم دنیا رخ می‌دهد از دو حال خارج نیست، یک: یا موافق میل و طبع آدمی است، مثل آسایش، رفاه، سلامتی. دوم: یا موافق طبع و میل آدمی نیست، مثل فقر، مرض، قرض و ... در عالم دنیا این حوادث و رویدادها برای همه انسان‌ها وجود دارد. به این معنی که هیچ انسانی نیست که از نعمت برخوردار نباشد و همچنین کسی نیست که هیچ مشکلی نداشته باشد. ویژگی دنیا این است که نعمت با بلا و گرفتاری عجین شده است، برخلاف عالم آخرت که قرآن در وصف متقین نسبت به کیفیت زندگانی آنان فرموده:

(لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ) (حجر/48)

«هیچ خستگی و تعبی در آنجا به آنها نمی‌رسد، و هیچ‌گاه از آن اخراج نمی‌گردند.»

مطابق آموزه‌های قرآنی بشر باید در برابر نعمت‌ها و خوشایندهایی که خدا نصیب او کرده سپاسگزار باشد تا نعمت او افزون گردد؛

(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (ابراهیم/7)

«اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود.»

و در برابر گرفتاری‌ها و سختی‌ها صابر و شکیب‌ا باشد تا در پرتو صبر و استقامت به راحتی برسد. (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (انشراح / 5-6) «به یقین با (هر) سختی آسانی است. (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است.» از آیات کریمه‌ای که در آن سخن از صبر و استقامت به میان آمده، فهمیده می‌شود از مهارت‌های رفتاری غلبه بر فقر، صبر و استقامت است.

«زیرا در صبر فوایدی برای تربیت نفس و تقویت شخصیت و افزایش توانایی در برابر سختی‌ها و بارهای سنگین زندگی و حوادث و مصائب روزگار است.» (نجاتی، /401)

به خاطر کارکرد صبر، خداوند در آیاتی صبر را به عنوان ابزار استعانت بشر برای رهایی از مشکلات و سختی‌ها معرفی نموده و فرموده است: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) (بقره /45) «و از صبر و نماز یاری جوید: و این کار جز برای خاشعان گران است» و همچنین فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره /153)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید (زیرا) خداوند با صابران است»

علامه مغنیه در ذیل این آیه در معنای صبر می‌نویسد:

«معنای صبر آن است که انسان خود را به تحمل مشکلات عادت دهد و این کار به اعتماد و ایمان به خدا و اینکه او با صابران است نیاز دارد و تردیدی نیست که نماز این اعتماد و ایمان را تحکیم می‌بخشد و استوار می‌سازد.» (مغنیه، /437/1)

خداوند علاوه بر دستور کلی به استعانت جویی از صبر، در آیه‌ای از قرآن کریم به کمک جستن از صبر در زیان مالی (فقر و نیاز) اشاره نموده و فرموده است: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره /155)

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و ... آزمایش می‌کنیم، و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.»



3. شکر (سپاسگزاری)

در آیات متعددی از قرآن کریم به آدمی توصیه شده است که نسبت به آنچه از نعمت‌ها (اعم از مادی و معنوی) که در اختیارش قرار داده شده است، سپاسگزار باشد (لقمان /14؛ بقره /152، 172؛ عنکبوت /17؛ سبأ /15) و در بعضی از آیات هم ثمره و سود سپاسگزاری را عائد انسان‌ها دانسته و فرموده است:

(وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ) (لقمان /12؛ نمل /40)

«هرکس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش کرده است.»

شکر به معنای یاد کردن نعمت و تصور نعمت و اظهار آن نعمت است. (راغب اصفهانی)

«لام» در «لنفسه» لام نفع است، بنابراین سود شکرگزاری که همان دوام نعمت و افزایش آن، به اضافه ثواب آخرت است، عائد خود انسان می‌شود، همان‌گونه که کفران فقط دامان خودش را می‌گیرد. «مکارم شیرازی، 37/17»

بر اساس بینش توحیدی، رزاق خداست و رزاقیت او تفضلی از جانب اوست به بندگان و مالک حقیقی جهان و آسمان و زمین، خدا می‌باشد و انسان مالک چیزی نیست تا از راه مالکیت، حق دریافت روزی و نعمت مادی و معنوی را داشته باشد؛

(لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ) (عنکبوت /17)

«مالک هیچ رزقی شما نیستید، روزی را شما نزد خدا بطلبید.»

(كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ) (بقره /60)

«از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید.»

(وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا) (مائده /18؛ ص /10؛ شوری /49)

مائده /27، 40؛ توبه /116)

«حکومت زمین و آسمان‌ها و هر چه در میان آنهاست از آن اوست.»

از آیات فوق فهمیده می‌شود رزق موجودات از جانب خدا بوده و مالک حقیقی همه موجودات اوست. اگرچه براساس آیات متعددی از قرآن رازق خداست و مالکیت از آن اوست، ولی از اصول مسلم قرآنی و سنت الهی این است که خداوند

و عده داده اگر بشر به آنچه از نعمتی که در اختیارش گذاشته شده است سپاسگزار باشد، آن را افزایش دهد.

فرمود: **(لَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)** (ابراهیم / 7)
 «اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) شما خواهم افزود، و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.»

به تعبیر استاد مطهری:

«اگر بشر در مقابل نعمت‌ها و انعام‌های الهی حالت سپاسگزاری و حق‌شناسی و قدردانی داشته باشد، سنت الهی بر این است که آن نعمت‌ها و انعام‌ها را افزایش دهد و اگر به جای آنکه عکس‌العمل سپاسگزارانه داشته باشد، قدرشناس و حق‌شناس آن نعمت‌ها باشد، کفران و ناسپاسی و قدرناشناسی و حق‌ناشناسی کند، نه تنها موجب زوال آن نعمت است، بلکه موجب پیدایش یک نعمت هم به جای آن است.» (مطهری، آشنایی با قرآن، 215/5)

از آیه مذکور استفاده می‌شود یکی از مهارت‌های رفتاری بر تحمل فقر مالی فردی، شکر و سپاس به آنچه خداوند در اختیار آدمی نهاده است می‌باشد، چه آنکه اولاً وعده امیدواری به افزایش نعمت از جانب رازق واقعی به بشر داده شده است و روشن است که امیدواری به افزایش نعمت توان آدمی را در تحمل فقر مادی تقویت می‌کند. به همین خاطر امام صادق **7** فرمود:

«و الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَ اِمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ». (حرّانی، 366/)

«شکر افزایش دهنده نعمت و امان از فقر است.»

و ثانیاً آن کسی که شاکر به نعمت موجود است، آنچه را که در اختیار دارد زیاد می‌شمارد. و پرواضح است که زیاد شمردن آنچه در دست آدمی است، خود عامل مهمی بر تحمل فقر مالی می‌باشد، چرا که انسان مؤمن آنچه را که در دست دارد بخششی از سوی خدا می‌داند.

امام باقر **7** فرمود: «اسْتَكْبَرْتُ لِنَفْسِكَ مِنْ اللَّهِ قَلِيلَ الرِّزْقِ تَخَلَّصًا إِلَى الشُّكْرِ». (محمّدی ری‌شهری، 302/)



«اندک روزی خود را که خدا به تو داده، برای خود، فراوان شمار تا بدین وسیله شکرش را گذارده باشی.»

4. قناعت

یکی دیگر از مهارت‌های رفتاری غلبه بر فقر مالی (تحمل فقر)، قناعت است. در ذیل آیه (فَلنُحِیْبَهُ حَیْوةَ طَیِّبَه) از امام صادق 7 و امام علی 7 نقل شده است که مراد از حیات طیبه، قناعت است. (بحرانی، 482/4)

قناعت در مقابل طمع است. طمع تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است. (راغب اصفهانی)

قناعت به اندک، اکتفا کردن و راضی بودن از امور گذرنده دنیوی و عوارضی که نیازمند به می‌باشد. (همان) صاحب‌المنجد هم در تعریف قناعت می‌گوید: «قنع: رضی بما قسم له؛ راضی بودن به آنچه قسمت و روزی انسان است.» (معلوف) در اصطلاح، قناعت حالتی است برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است. (نراقی، 282/)

قانع فقیری است که به هر چه به او بدهند قناعت می‌کند. (طباطبایی، 557/14) مکارم شیرازی، 108/4)

«کسی می‌تواند قانع باشد که به آنچه موجود است راضی باشد. هنگامی انسان از چیزی راضی می‌شود که آن را کافی بداند. کفایت، شرط رضایت است. نارضایتی به این دلیل است که انسان آن چه دارد، کم دانسته و برای تأمین زندگی ناکافی می‌شمرد.» (پسندیده، 134/)

حضرت علی 7 فرمود: «مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَ مِنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ». (کلینی، 209/3)

«هر که از دنیا به مقداری که نیازش باشد، راضی شود، کمترین چیز دنیا کفایتش می‌کند، و هر که به اندازه‌ای که نیازش باشد راضی نشود، چیزی از دنیا کفایتش نمی‌کند.»

امام صادق 7 در همین راستا فرمود:

«انظُرْ اِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدُورَةِ وَلَا تَنْظُرْ اِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدُورَةِ فَانَّ ذَلِكَ اَقْنَعُ لَكَ بِمَا قَسِمَ لَكَ». (محمدی ری شهری، 479/)

«به ناتوان تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر، زیرا که این کار تو را به آنچه قسمت تو شده است قانع تر می کند.»

مطابق روایت فوق، راه رسیدن به قناعت، مقایسه نزولی است. از همین روی گفته می شود بشر برای تحمل فقر مالی ناگزیر از قناعت است، چه آنکه قناعت، راضی شدن به آنچه در دست انسان است می باشد و کسی که این حالت را در خود ایجاد کند، غم و اندوهی برایش نیست.

عدم اندوه بر فقر عاملی است که توان تحمل آن را در آدمی تقویت می کند. حضرت علی 7 فرمود: «مَنْ قَنَعَ لَمْ يَغْتَمَّ». (همان، 480/) «کسی که قانع باشد اندوهگین نمی شود.»

علاوه آنکه طبق روایت امام صادق 7، آدمی وقتی به پایین تر از خویش در وضع مالی بنگرد، فقر مالی فردی او را رنج نمی دهد و بلکه توان او را بر تحمل آن تقویت می کند.

به خاطر کارکرد قناعت در تحمل فقر مالی، خداوند پیامبرش را از چشم اندوزی به اموال دیگران و مقایسه صعودی نهی فرموده است:

(وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (طه/131)

«و هرگز چشمان خود را به نعمت های مادی که به گروه هایی از آنان دادیم ميفکن، اينها شكوفه های زندگي دنياست.»

5. نماز

(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) (بقره/45)

«از صبر و نماز یاری بجوید.»

انسان موجودی عجین شده از جسم و روح است. همانطوری که برای توانمندسازی جسم در برابر غلبه بر سختی ها و ناملايمات نیاز به تغذیه سالم و قوی متناسب با جسم داریم، برای توانمندسازی روح در برابر سختی ها و تکامل روحی نیاز به تغذیه سالم و متناسب با روح داریم.



در آموزه‌های دینی، غذای روح متعدد ذکر شده است که یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین آنها، نماز است. چه آنکه نماز، پیوند خلق با خالق است. خالق که مهربان و قدرتمند و شکست‌ناپذیر است. ارتباط با چنین منبع رحمت و قدرت، پشتوانه بسیار مهمی به شمار می‌رود که انسان را همچون فولاد مقاوم می‌سازد. به همین جهت خداوند نماز را وسیله استعانت مؤمنین در تکامل روحی و غلبه بر سختی‌ها معرفی نموده است؛

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره/153)

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر و (استقامت) و نماز کمک بگیرید، (زیرا) خداوند با صابران است.»

در روایت آمده است که پیامبر اسلام هر وقت محزون می‌گشت، به نماز پناه می‌برد و از آن کمک می‌گرفت؛

«کان رسول الله ﷺ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرًا فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ.» (طباطبایی، سنن النبی، 123/)

علاوه آنکه نماز ذکر و یاد خداست و روشن است که یاد نمودن خدا ثمره‌اش آرامش و اطمینان‌بخشی به آدمی است؛

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد/28)

«آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

اگرچه پدیده فقر و نیاز، خاصیتش اضطراب و آزاردهی به آدمی است، ولی وقتی آدمی قلبش و زبانش به یاد خدا مشغول شد، روح و روان او آرام گرفته و قدرت مقابله بر فقر در او به کمک یاد خدا پیدا می‌شود.

از این روی است که آدمی برای غلبه بر پدیده فقر و نیاز ناگزیر از برقراری ارتباط با خالق خویش می‌باشد.

6. دعا

دعا در لغت به معنای بانگ زدن و خواندن است. دعا، بانگ زدن و خواندنی است که پیوسته با اسم طرف همراه است. مثل: یا فلان. (راغب اصفهانی)

اما در اصطلاح عبارت از ارتباط روحی و معنوی، رو آوردن به آفریدگار عالم و ماورای ظواهر، اظهار عجز و عبودیت و درخواست نیاز از پیشگاه بی نیاز است. (صانعی، 235/)

مطابق آیات کریمه، دعا یکی دیگر از مهارت‌های معنوی برای غلبه نمودن بر فقر و احتیاج است. چه آنکه دعا، یاری جستن از قدرت بی نهایت خداوند است. روشن است کسی که به قدرت لایزال الهی پیوند بخورد، همچون کوه مقاوم گشته و بر مشکلات فائق می آید.

به علاوه خداوند در آیاتی دعوت به خواندن خویش و وعده اجابت داده است؛
(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر/60)

در نهاد بشر این گرایش وجود دارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر قدرتی ماورای طبیعت پناه ببرد و از او استمداد بجوید. قرآن کریم بر این واقعیت تصریح نموده است؛

(وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لَجْنِبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا) (یونس/12)

«هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می خواند.»

و همچنین فرمود: **(وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ كَالظُّلُلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) (لقمان/32)**

«و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد) خدا را با اخلاص می خوانند.»

در این دو آیه و آیات دیگری از این قبیل به استمدادجویی بشر از خداوند در وقت احتیاج و گرفتاری تصریح شده است.

مشکلات و گرفتاری‌های انسان گونه‌های متعددی دارد که نمونه آن مشکلات، فقر مالی است. بشر برای رهایی و غلبه بر مشکلات مالی، ناگزیر از خواندن قدرت شکست‌ناپذیر است، چه آنکه همه گره‌ها به دست او باز می شود.

7. توکل

«تکیه کردن بر یک منبع مطمئن قدرت، از عوامل بسیار مهم در افزایش مقاومت در برابر سختی‌هاست. کسی که به یک منبع قدرت اتکال می کند،



قدرت او را به قدرت خود پیوند می‌زند، از این رو بر توان خود می‌افزاید و احساس اقتدار می‌کند. از سوی دیگر با اعتماد به یک منبع قدرت، انسان تحت حمایت و حفاظت صاحب قدرت قرار می‌گیرد و همین امر موجب تقویت روحی و روانی انسان می‌گردد.» (پسندیده، /318)

در تحمل فقر مالی هم آدمی ناگزیر به تکیه نمودن بر خالق هستی است، چه آنکه مالک حقیقی اموال و نعم، اوست.

رابطه توکل و فقر مالی

بر اساس آموزه‌های دینی اولاً اموال و نعم از آن خداست و تکیه‌گاه مطمئنی که در او خیانتی به شخص متوکل نمی‌شود، خداوند متعال است؛

(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) (طلاق/3)

«هرکس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند.»

به همین خاطر وقتی پیامبر اسلام در برابر آن همه مشکلات تنها مانده است، خداوند همین اصل را به او آموزش می‌دهد و می‌فرماید:

(فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ) (توبه/129)

«اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش) بگو: خداوند مرا کفایت می‌کند، هیچ معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم.»

ثانیاً: اگر زبانی به انسان از قبیل فقر و کاستی اموال رسد، هیچ کسی را جز او توان آن نیست که آن را برطرف کند. از این رو به توکل بر او، امید رفع فقر و افزایش توان تحمل انتظار می‌رود؛

(وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ) (انعام/17-18)

«اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست، اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلط است و اوست حکیم و آگاه.»

به خاطر کارکرد توکل، معصومین دعوت به آن نموده‌اند:

امام باقر 7 فرمود: «من توکل علی الله لا یُغلبُ». (ابن الشعیری، /113)

«کسی که به خدا توکل کند مغلوب نمی‌گردد.»

آری، هر که به قدرت مطمئن، که همه چیز (رفع ضرر و جلب منفعت) به دست اوست توکل کند و به آن پناهگاه شکست‌ناپذیر روی آورد و قدرت خویش را به قدرت او گره بزند، توان روحی او بر تحمل هر مشکلی، به خصوص فقر مالی افزایش می‌یابد.

8. تسلیم

تسلیم شدن در برابر خواست خداوند سبحان، چنگ زدن به ریسمان محکم الهی و مطمئن است و پرواضح است هر که به ریسمان الهی چنگ بزند آن ریسمان گسستنی نیست؛

(فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا)
(بقره/256)

«بنابراین، کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست.»

و فرمود: (وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (لقمان/22)

«کسی که روی خود را تسلیم خدا کند درحالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده، و عاقبت همه کارها به سوی خداست.»

«کسی که در مقام تسلیم قرار دارد، طبع، آنچه را مخالف و یا موافق آن است به

خدا وا می‌نهد و از همه امور مربوط به خود دست می‌کشد و همه را به خدا

واگذار می‌کند.» (مصباح یزدی، ره توشه، 421-422/2)

آدمی که تسلیم محض در برابر خواست خداست، یکی از علل فقر و نداری خویش را خواست خدا دانسته و بر این عقیده است که هر چه خدا بر او بخواهد خیر اوست. به خاطر همین نوع بینش، فقر مالی او را آزار نداده، بلکه چنین بینشی بر توان و تحمل او می‌افزاید.

از امام صادق 7 سؤال شده: «بای شی یعلم المؤمن بانه مؤمن». قال بالتسليم لله و الرضا فيما ورد عليه من سرور او سخط». (کلینی، 103/3)



«به چه علامت دانسته می‌شود که شخص مؤمن است؟ فرمود: تسلیم خدا بودن و راضی بودن به آنچه برایش پیش می‌آید از شادی و ناخرسندی؛
امام صادق 7 فرمود: «قال الله عزوجل عَبْدِي الْمُؤْمِنِ لَأَصْرِفُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي». (همان، 101/)

«خدای عزوجل می‌فرماید: بنده مؤمنم را به هر سو بگردانم، برایش خیر است. پس باید به قضاء من راضی باشد و بر بلائی من صبر کند.»
از همین جا رابطه تسلیم با تحمل فقر مالی آشکار می‌شود، چه آنکه شخصی که به مقام تسلیم رسیده است، فقر مالی خویش را خواست خدا دانسته و یا به عوامل دیگری از قبیل آزمایش و گناه و ... مستند می‌نماید که فرمود:

(وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْاَمْوَالِ) (نقره/155)

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها ... آزمایش می‌کنیم.»
(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ) (روم/41)

«فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردند.»
علاوه آنکه اموال دنیایی را سبب برتری شخص بر شخص دیگر ندانسته و بر اساس بینش توحیدی قرآن، رزق واقعی را نزد خدا می‌داند؛

(وَرَزَقُ رِبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى) (طه/131)

«و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»
به خاطر همین بینش مأخوذ و حیانی، فقر مالی، شخصی را که به مقام تسلیم رسیده، آزار نداده و او از خطرات ناشی از فقر مالی در امان است.

نتیجه

ماهیت زندگی دنیا، عجیب بودن خوشاینها با سختی هاست. مشکلات و ناخوشاینها جزء لاینفک زندگی دنیاست.

در آموزه‌های دینی به بشر تعلیم داده شده که در برابر خوشایندهای زندگی سپاسگزار بوده و در مشکلات، خصوصاً فقر مالی، با بهره‌گیری از مهارت‌های ارائه شده و حیوانی، بر آنها چیره گردد تا از خطرات ناشی از آن در امان بوده و بتواند هویت انسانی و ایمان و آرامش روان خویش را حفظ نماید.

مهارت‌های سه‌گانه‌ای که قرآن برای غلبه بر فقر مالی ارائه داده است عبارتند از: مهارت شناختی (احتیاج و فقر ذاتی بشر، اموال وسیله آزمایش است، بهره‌های دنیا اندک و رزق خیر نزد خداست و رزاق (روزی‌دهنده) خداست.)، مهارت رفتاری (کار، انفاق، امید به گشایش و ترک مقایسه صعودی و مصرف بهینه) و مهارت معنوی (تقوا، نماز، دعا، توکل، تسلیم، صبر، شکر و قناعت).

پی نوشت:

1. مراد نویسنده از غلبه بر فقر مالی تحمل فقر فردی و خروج از آثار طبیعی و عادی آن است که در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم (ترجمه مکارم شیرازی)
2. نهج البلاغه
3. ابن الشعیری، تاج‌الدین محمد؛ جامع الاخبار، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1406 ق.
4. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)؛ خصال، ترجمه محمدباقر کوه کمره‌ای، چاپ نهم، تهران، انتشارات کتابچی، 1374 ش.
5. _____؛ معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1385 ش.
6. ابن فارس، ابوالحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغة، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.
7. احسان بخش، صادق؛ آثار الصادقین، گیلان، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، 1379 ش.
8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلام‌رضا خسروی حسینی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی، 1383 ش.
9. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالمجتبی للمطبوعات، 1428 ق.
10. پسندیده، عباس؛ رضایت از زندگی، چاپ پنجم، قم، دارالحدیث، 1386 ش.
11. حرّانی، ابن شعبه؛ تحف العقول، ترجمه محمدباقر کوه کمره‌ای، چاپ ششم، تهران، انتشارات کتابچی، 1376 ش.
12. حرعاملی، محمد بن الحسین؛ وسائل الشیعه، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه، 1397 ق.
13. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، تهران، چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی‌تا.
14. صانعی، سید مهدی؛ بهداشت روان در اسلام، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، 1387 ش.
15. طباطبایی، سید محمد؛ سنن النبی، ترجمه لطیف راشدی، سعید مطوّف راشدی، چاپ ششم، قم، انتشارات تهذیب، 1385 ش.



16. _____؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ چهارم، بی‌جا، بنیاد فکری و علمی طباطبایی، 1370 ش.
17. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیستم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1380 ش.
18. قریشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1371 ش.
19. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تهران، انتشارات مجد چهارده معصوم، بی‌تا.
20. مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، چاپ دوم، تهران، المکتبه الاسلامیه، 1396 ق.
21. محمدی ری‌شهری، محمد؛ منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم، دارالحديث، 1384 ش.
22. مصباح یزدی، محمدتقی؛ پنجاهای امام صادق 7 به ره‌جویان صادق، چاپ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1383 ش.
23. _____؛ ره توشه، تحقیق و نگارش: کریم سبحانی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1376 ش.
24. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران، صدرا، 1373 ش.
25. _____؛ آشنایی با قرآن، چاپ اول، تهران، صدرا، 1378 ش.
26. معلوف، لوئیس؛ المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، چاپ دوم، تهران، صبا، 1377 ش.
27. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف، ترجمه موسی دانش، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، 1383 ش.
28. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1372 ش.
29. نجاتی، محمد عثمان؛ قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، چاپ هفتم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1386 ش.
30. نراقی، احمد؛ معراج السعاده، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطبوعاتی حسینی، 1367 ش.
31. نوری طبرسی، حسین؛ مستدرک وسایل الشیعه، الطبعة الاولى، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت، 1407 ق.